



## مواضع رهبر انقلاب اسلامی در مقابل نظام سرمایه‌داری: تحلیل انتقادی گفتمان با رویکرد نورمن فرکلاف

حمزه صفربیگی<sup>۱</sup>، فرامرز میرزازاده احمدبیگلو<sup>۲</sup>، محمد کمالی‌زاده<sup>۳</sup>

### چکیده:

نظام سرمایه‌داری به‌عنوان یکی از مولفه‌های هژمونیک عصر مدرن، همواره مورد واکاوی و انتقاد صاحب‌نظران علوم انسانی قرار گرفته است. در این میان، موضع‌گیری رهبر انقلاب اسلامی ایران نسبت به این نظام به‌عنوان بخشی کلیدی از گفتمان سیاسی پس از انقلاب، واجد اهمیتی مضاعف است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از الگوی سه‌وجهی تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف و از طریق بررسی بیانات و مواضع رسمی رهبر انقلاب، به چرایی و چگونگی تولید و بازتولید گفتمان انتقادی نسبت به نظام سرمایه‌داری می‌پردازد. داده‌های پژوهش با روش تحلیل کیفی و مبتنی بر کدگذاری موضوعی استخراج و تفسیر شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد گفتمان رهبری با اتکاء به مؤلفه‌های زبانی خاص (نظیر استفاده از واژگان استعاره‌ی نظیر «پلیدی»، «سلطه»، و «استضعاف») و بهره‌گیری از بینامتنیت قرآنی-تاریخی، نظام سرمایه‌داری را نه صرفاً یک الگوی اقتصادی، بلکه نماد تمامیت استعمار و بی‌عدالتی در سپهر جهانی بازنمایی می‌کند. این موضع، محصول تلفیق بنیان‌های فکری اسلامی و نقدهای معاصر بر سرمایه‌داری غربی است و به‌طور مؤثر ابزار مقاومت معرفتی و هویتی در گفتمان سیاسی ایران معاصر محسوب می‌شود. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که بازتولید گفتمان ضد سرمایه‌داری نه تنها به ایجاد سازوکارهای نهادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی انجامیده، بلکه به گسترش عدالت توزیعی، مقاومت اقتصادی، و نفی هژمونی ساختارهای سرمایه‌داری جهانی کمک کرده است؛ امری که با الگوی تحلیلی فرکلاف قابل تبیین و واکاوی است.

**واژگان اصلی:** نظام سرمایه‌داری، رهبر انقلاب اسلامی، گفتمان انتقادی، نظریه فرکلاف، اقتصاد اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش اندیشه اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

fa.mirzazadeh@iau.ac.ir

۳. استادیار علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران.

## مقدمه

اقتصاد به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان حیات بشری، با تحولات و پویایی‌های عمیقی در طول تاریخ مواجه بوده است. در دنیای معاصر، دو نظام اقتصادی برجسته، یعنی سرمایه‌داری و نظام اقتصادی اسلام، تمرکز عمده پژوهش‌ها و تحلیل‌ها را به‌خود اختصاص داده‌اند. نظام سرمایه‌داری، با تأکید بر آزادی اقتصادی، مالکیت فردی، و سودمحوری، توانسته است نقش مهمی در شکل‌گیری روابط اقتصادی جدید و توسعه‌های فناورانه بازی کند. با این حال، این نظام به‌طور متناوب با بحران‌های اقتصادی، بی‌عدالتی اجتماعی، و تضادهای طبقاتی مواجه شده است. در مقابل، نظام اقتصادی اسلام که برگرفته از آموزه‌های قرآنی و روایات نبوی است، با تأکید بر عدالت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اقتصادی، و استفاده از ثروت به‌عنوان ابزاری برای خدمت به جامعه، راهبردی متفاوت در مواجهه با مسائل و مشکلات اقتصادی ارائه می‌دهد.

بیانات رهبر انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از پیشگامان مقاومت فرهنگی و اقتصادی در عصر جهانی‌سازی، نقش موثری در نقد نظام سرمایه‌داری و تأکید بر اصول اقتصاد اسلامی داشته است. مسئله مورد بررسی در این پژوهش، تحلیل موضع‌گیری رهبر انقلاب اسلامی در تقابل با نظام سرمایه‌داری در چارچوب نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف است. از آنجاکه بیانات رهبر انقلاب در سطح ملی و بین‌المللی تأثیر زیادی بر بازتعریف الگوهای اقتصادی دارد، تحلیل این گفتمان، به درک دقیق‌تری از چرایی این مواضع اقتصادی رهبری کمک می‌کند. بر اساس مبانی نظری و شکاف‌های شناسایی‌شده، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که تحلیل انتقادی گفتمان رهبر انقلاب اسلامی در نقد نظام سرمایه‌داری بر اساس الگوی سه‌سطحی نورمن فرکلاف، چگونه بازنمایی‌های متنی، سازوکارهای بازتولید گفتمانی و پیوندهای ساختاری آن را آشکار می‌سازد؟ این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با بهره‌گیری از مدل سه‌سطحی تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف انجام می‌شود. در این راستا، گفتمان نقد نظام سرمایه‌داری رهبر انقلاب در سطوح متن، کنش گفتمانی (تولید و بازتولید)، و کنش اجتماعی-ساختاری (پیوند با نهادها) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. فرضیه اصلی پژوهش نیز بر این مبناست که گفتمان نقد نظام سرمایه‌داری رهبر انقلاب اسلامی، بر اساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، با بهره‌گیری از ویژگی‌های زبانی خاص در سطح متن، سازوکارهای مشخصی برای تولید و بازتولید در سطح کنش گفتمانی دارد و به‌طور فعال با شکل‌گیری و تقویت ساختارهای نهادی اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی در سطح کنش اجتماعی-ساختاری پیوند یافته است.

## پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی به بررسی ویژگی‌ها، مبانی نظری و نقدهای نظام سرمایه‌داری و اصول اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند. مطالعات اولیه در این حوزه به مقایسه بنیادین انگیزه‌ها و سازوکارهای دو نظام اقتصادی سرمایه‌داری و اسلامی اختصاص داشت؛ برای مثال، تفاوت در انگیزه‌های کسب ثروت، با تأکید بر سودمحوری در سرمایه‌داری و چارچوب‌های اخلاقی و اجتماعی در اسلام، به‌مثابه عاملی تأثیرگذار بر پیامدهای اجتماعی و اقتصادی مورد کاوش قرار گرفته است. همچنین، بحران‌های دوره‌ای، نابرابری فزاینده در توزیع ثروت، و پیامدهای اخلاقی و اجتماعی نظام سرمایه‌داری از جمله موضوعاتی بوده‌اند که در ادبیات علمی به تفصیل بررسی شده‌اند (Piketty, 2014; Stiglitz, 2012). در مقابل، اقتصاد اسلامی با تکیه بر آموزه‌های دینی، بر مفاهیمی چون عدالت توزیعی از طریق سازوکارهایی مانند زکات و خمس، ممنوعیت ربا، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأکید دارد و راهکارهای متفاوتی برای مسائل اقتصادی ارائه می‌کند (Chapra, 1992; Iqbal & Mirakhor, 2007). این مبانی در دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی نیز منعکس شده است؛ به‌طوری‌که در بیانات ایشان، مفاهیمی چون «اقتصاد مقاومتی»، «حمایت از تولید ملی» و «عدالت اجتماعی» به عنوان محورهای اصلی در نقد سرمایه‌داری و ارائه الگوی جایگزین مطرح شده‌اند. این رویکرد، آزادی اقتصادی را ذیل چارچوب‌های اخلاقی و اجتماعی تعریف می‌کند و از صرف سودجویی فاصله می‌گیرد (سرو و ذوعلم، ۱۳۹۹).

در سال‌های اخیر، تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان ابزاری برای بررسی بیانات رهبر انقلاب اسلامی در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی به کار گرفته شده است. برخی پژوهش‌ها با استفاده از این رویکرد، به واکاوی مفاهیم کلیدی در گفتمان اقتصادی ایشان پرداختند؛ برای مثال، بررسی گفتمان‌های مصرف در بیانات رهبر معظم رهبری نشان داد که واژگانی نظیر «مصرف‌گرایی» و «اسراف» بار ارزشی منفی داشته و در چارچوب مقاومت فرهنگی در برابر هژمونی سرمایه‌داری بازتولید می‌شوند (ذوالفقاری و احمدی، ۱۳۹۲). مطالعات دیگر به نحوه مواجهه گفتمانی با «هژمونی سرمایه‌داری» در نظام تصمیم‌گیری اشاره کرده‌اند (نجفی، ۱۳۹۸)، و یا به نقش ساختارهای گفتمانی در تقویت همبستگی ملی در مواجهه با عملیات روانی خارجی پرداخته‌اند (حسینی، ۱۳۹۵). همچنین، جایگاه «دال مرکزی» در تحلیل گفتمان انتقادی، به‌ویژه با تأکید بر رویکرد فرکلاف، به عنوان عاملی برای تبیین ساختار و انسجام گفتمان‌ها مورد بررسی

قرار گرفته است (جهانی نسب، ۱۴۰۱).

با وجود این مطالعات ارزشمند، یک خلأ تحقیقاتی در ادغام جامع و سیستماتیک مدل سه‌سطحی تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف (سطح متن، سطح کنش گفتمانی، و سطح کنش اجتماعی-ساختاری) برای تحلیل گفتمان ضدسرمایه‌داری رهبر انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد. پژوهش‌های پیشین اغلب بر یک یا دو سطح از این مدل تمرکز کرده‌اند و پیوند دینامیک میان ابعاد زبانی (مانند تحلیل واژگان کلیدی نظیر «استثمار» و «رباخواری») با ارجاع به بیانات رسمی، سازوکارهای تولید و بازتولید گفتمان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، و تأثیر آن بر ساختارهای نهادی (مانند پیوند با راهبرد «اقتصاد مقاومتی» و نهادهای مالی اسلامی) به طور یکپارچه مورد تحلیل قرار نگرفته است (Fairclough, 1995). از این رو، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب تحلیلی فرکلاف، در پی تبیین چگونگی بازنمایی ایدئولوژی نقد نظام سرمایه‌داری در سطح واژگانی گفتمان رهبری، شناسایی سازوکارهای تولید و بازتولید این گفتمان در سطح کنش گفتمانی، و بررسی پیوند آن با ساختارهای نهادی اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی در سطح کنش اجتماعی-ساختاری است. این رویکرد جامع، ضمن پر کردن شکاف‌های موجود در پیشینه پژوهش، می‌تواند به درک عمیق‌تری از نقش راهبردی گفتمان رهبری در تبیین و تقویت جایگزین‌های اقتصادی مبتنی بر عدالت اسلامی منجر شود.

## مفهوم‌شناسی و مبانی نظری

### الف) نظام سرمایه‌داری

نظام سرمایه‌داری ساختاری اقتصادی است مبتنی بر مالکیت خصوصی عوامل تولید، رقابت آزاد بازار و سودمحوری فردی (Smith, 1776/2003, 52). مهم‌ترین عناصر این نظام عبارت‌اند از: مالکیت خصوصی؛ حق انحصاری افراد یا شرکت‌ها بر ابزار تولید و دارایی‌ها (Stiglitz, 2012, 134). آزادی اقتصادی؛ حداقل مداخله دولت در تخصیص منابع و تعیین قیمت‌ها (Samuelson & Nordhaus, 2010, 221). سودمحوری و رقابت؛ انگیزه اصلی کنشگران اقتصادی برای کسب بیشینه سود است و رقابت میان بازیگران بازار به بهبود کیفیت و کاهش قیمت‌ها منجر می‌شود (Piketty, 2014, 74).

نقدهای کلیدی سرمایه‌داری بر تولید مکرر بحران‌های مالی همچون بحران ۲۰۰۸ تأکید

دارند؛ به طوری که ساختارهای توزیع ناعادلانه ثروت و افزایش فاصله طبقاتی را تشدید می‌کند (Minsky, 1986, 158). دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی، (۱۳۷۲: ۴۲). همچنین، در پژوهش‌های داخلی نظام سرمایه‌داری به‌خاطر «تزامم منافع بانک و جامعه» و «مصرف‌گرایی مفرط» مورد انتقاد قرار گرفته است (نوری، ۱۳۶۱: ۸۸).

#### ب) اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی نظامی است که بر آموزه‌های قرآنی و سنت نبوی بنا شده و عدالت اجتماعی، شراکت اخلاقی و حفظ عزت انسانی را در رأس اهداف خود قرار می‌دهد (Chapra, 1992, 120). اصول بنیادین اقتصاد اسلامی عبارت‌اند از: عدالت توزیعی؛ اختصاص سهمی از درآمد به زکات، خمس و انفاق به‌منظور تضمین حداقل معیشت اقشار ضعیف (Qaradawi, 2000, 55؛ نوری، ۱۳۶۱: ۱۰۲). ممنوعیت ربا؛ جایگزین‌سازی قراردادهای سود و زیان مانند مشارکت و مضاربه به‌جای بهره‌ثابت بانکی (Iqbal & Mirakhor, 2007, 76). شفافیت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ پاسخگویی فعال بنگاه‌ها و نهادهای مالی به جامعه و قانون.

اقتصاد اسلامی علاوه بر تأکید بر بعد توزیعی عدالت، مصرف منطقی و تکیه بر مفهوم «اقتصاد مقاومتی» را جهت کاهش آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های بیرونی و فشارهای نظام سرمایه‌داری جهانی پیشنهاد می‌کند (فاضل، ۱۳۸۲: ۶۸؛ لاریجانی، ۱۳۹۵).

#### ج) گفتمان انتقادی فرکلاف<sup>۱</sup>

نورمن فرکلاف، تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) را روشی بین‌رشته‌ای برای بررسی رابطه میان زبان و قدرت می‌داند که شامل سه سطح تحلیل می‌شود:

سطح متن (Text): بررسی ساختار واژگانی، نحوی و بلاغی متن به‌گونه‌ای که معانی خاصی را پدید آورد (Fairclough, 1995, 110؛ یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۴۵). سطح کنش گفتمانی (Discursive Practice): بررسی چگونگی تولید، توزیع و مصرف متن در بسترهای مختلف گفتمانی (Fairclough & Wodak, 2010, 50؛ Meyer, 2009, 14؛ محسنی، ۱۳۹۱: ۷۱-۷۰). سطح کنش اجتماعی-ساختاری (Social Practice): بررسی ارتباط گفتمان با سازوکارهای قدرت و ساختارهای نهادی و ایدئولوژیک (Fairclough, 1995, 131)؛

<sup>۱</sup> Critical Discourse Analysis

یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۶: ۸۸-۹۰). فرکلاف علاوه بر تحلیل زبان‌شناختی، با تمرکز بر بسترهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نشان می‌دهد چگونه گفتمان‌ها به بازتولید یا مخالفت با روابط قدرت می‌پردازند (Fairclough & Wodak, 2010, 65; Meyer, 2009, 25).

(د) تلفیق سه حوزه در تحلیل انتقادی گفتمان رهبری

در چارچوب نظریه فرکلاف، گفتمان رهبر انقلاب اسلامی درباره نظام سرمایه‌داری قابل تحلیل است؛ زیرا ایشان در بیانات خود نظام سرمایه‌داری را «ساختاری ضدعدالت»، «سازوکاری برای تمرکز ثروت» و «عامل بحران‌های پی‌درپی اقتصادی» معرفی می‌کنند. این نقد در سه سطح فرکلاف قابل واکاوی است. در سطح متن: استفاده از واژگانی مانند «استثمار»، «نابرابری»، «مصرف‌گرایی» و «ریاخواری» نشان‌دهنده نقد شدید به مبانی سودمحوری سرمایه‌داری است (نوری، ۱۳۶۱: ۸۸؛ ذوالفقاری و احمدی، ۱۳۹۲: ۵۰-۵۵). این واژگان بار ایدئولوژیک قوی دارند و نظام سرمایه‌داری را در تقابل با ارزش‌های اسلامی بازنمایی می‌کنند.

در سطح کنش‌گفتمانی: تولید و بازتوزیع این بیانات از طریق رسانه‌ها، سخنرانی‌ها، و متون رسمی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب، گفتمانی معارض با ایده‌آل‌های سرمایه‌داری آزاد را به طور مداوم بازتولید می‌کند. این بازتولید، مخاطبان را به سمت پذیرش نقد سرمایه‌داری و الگوهای جایگزین سوق می‌دهد (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲: ۱۲). و در سطح کنش اجتماعی-ساختاری: این گفتمان بخشی از مقاومت ایدئولوژیک در برابر نظم سرمایه‌داری جهانی است که اقتصاد اسلامی و مفهوم «اقتصاد مقاومتی» را به صورت نهادی تقویت می‌نماید (Chapra, 1992, 67؛ لاریجانی، ۱۳۹۵؛ محمدی لرد، ۱۳۹۲: ۲۰-۲۲). این ارتباط در سیاست‌گذاری‌ها، قوانین مرتبط با بانکداری اسلامی (قانون عملیات بانکی بدون ربا، ۱۳۶۲: ماده ۳) و ترویج الگوهای اقتصادی مقاومتی (ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۵: بند ۵) نمود پیدا می‌کند.

### تحلیل واژگان کلیدی در گفتمان رهبر انقلاب برای بازنمایی ایدئولوژیک نقد نظام سرمایه‌داری

تحلیل واژگانی و گزینش صفات و استعارات در گفتمان رهبر انقلاب نشان می‌دهد چگونه مبانی ایدئولوژیک نقد سرمایه‌داری بازنمایی می‌شود. در ادامه مهم‌ترین مؤلفه‌های واژگانی استخراج‌شده از بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تشریح می‌گردد.

(الف) ربا و ریاخواری: «ربا» در اندیشه اسلامی مظهر سودگزینی بی‌زحمت و تحمیل زیان بر نیازمندان است (نوری، ۱۳۶۱: ۲۲). ریاخواری به‌مثابه استعاره‌ای برای سرمایه‌داری توصیف

می‌شود که ثروت را بدون مشارکت در تولید واقعی و با اتکا به بهره مالی انباشت می‌کند. در بیانات دانشگاهی سال ۱۳۹۷ رهبر انقلاب اظهار داشتند: «سرمایه‌داری امروز همچون شبکه‌ای رباخواری، کار مولد را به نفع بهره‌خواری کنار می‌زند و توده‌ها را بدهکار می‌سازد» (دفتر حفظ و نشر آثار، ۱۳۹۷). در این گزاره، «رباخواری» به کارکرد نمادین نظام سرمایه‌داری اشاره دارد و ضمن انتخاب واژه‌ای بار منفی قوی، آموزه‌ی تحریم شرعی ربا را وارد نقد ایدئولوژیک می‌کند.

ب) استثمار: مفهوم‌سازی: استثمار در نقد سید غلامرضا سعیدی مترادف است با «سوءاستفاده از نیروی کار برای کسب سود یک‌جانبه» که در سرمایه‌داری ساختاری نهادینه شده است (سعیدی، ۱۳۲۹: ۶). رهبری در دیدار مسئولان اقتصادی فرمودند: «در سرمایه‌داری، انسان‌ها به ابزار تولید و آجر دیواری برای انباشت سرمایه تنزل یافته‌اند و استثمار جزئی از شالوده‌ی این نظام است» (khamenei.ir, 1397). گرینش فعل «تنزل یافته‌اند» و واژه «ابزار» نشان‌دهنده ارزش‌گذاری منفی و برجسته‌سازی ابعاد عینی استثمار است.

ج) مصرف‌گرایی مفرط: مصرف‌گرایی افراطی مصداق بارز «تزیید لذت‌جویی مادی» و «بی‌عمق کردن روابط انسانی» در آموزه‌های اقتصادی غرب است (نوری، ۱۳۶۱: ص. ۲۳). رهبر انقلاب در بیانیه‌ای تأکید کردند: «مصرف‌گرایی مفرط در سرمایه‌داری، یک زیاده‌طلبی ساختاری است که هم سرمایه‌های اجتماعی را می‌خورد و هم عزت ملی را نشانه می‌رود» (دفتر حفظ و نشر آثار، ۱۳۹۷). واژه‌های «مفرط»، «زیاده‌طلبی ساختاری» و «نقض عزت ملی» به صراحت دستگاه ارزشی فرهنگ اسلامی را مقابل «فروش کرامت انسانی» قرار می‌دهند.

د) نابرابری فاحش و فاصله طبقاتی: سرمایه‌داری بر اساس تمرکز ثروت در اقلیتی کوچک، «نابرابری فاحش» و «شکاف طبقاتی عمیق» به وجود می‌آورد که از منظر عدالت اسلامی به شدت محکوم است (سعیدی، ۱۳۲۹: ۷). رهبری در جمع مسئولان اقتصادی بیان کردند: «فاصله طبقاتی فاحش در جوامع سرمایه‌داری نشانه‌ی شکست تئوری ثروت‌اندوزی لجام‌گسیخته است؛ جایی که حق طبیعی زیستن از ملت‌ها سلب می‌شود» (khamenei.ir, 1397). ترکیب «فاصله طبقاتی فاحش» و «سلب حق طبیعی زیستن» بسته‌ی معنایی شدیدی را می‌سازد که هم وجه نقد ساختاری و هم وجه اخلاقی را برجسته می‌کند.

ه) بانکداری ربوی و تزاخم منافع: تزاخم منافع بین «بانک» و «جامعه» در نظام سرمایه‌داری ناشی از تمرکز ابزار پولی بر سود فردی است؛ امری که در اسلام با عناوینی چون «بانکداری

ربوی» تقبیح شده (نوری، ۱۳۶۱: ۲۲). کاربرد در گفتمان رهبری: «بانکداری ربوی، همه‌ی سرمایه‌ی ملی را گروگان ساخته و خطوط تولید واقعی را تعطیل می‌کند» (دفتر حفظ و نشر آثار، ۱۳۹۷). انتخاب فعل «گروگان گرفتن» و «تعطیل کردن خطوط تولید» نشان‌دهنده بار کنایه‌ای قوی و تصویرسازی منفی از عملکرد نهادهای مالی غربی است.

تحلیل واژگانی گفتمان رهبر انقلاب نشان می‌دهد ایشان با تکیه بر عناصر زبان‌شناختی زیر مبنای ایدئولوژیک نقد سرمایه‌داری را بازنمایی می‌کنند:

❖ استفاده از اصطلاحات دینی (ربا، استثمار) برای متصل ساختن نقد اقتصادی به مشروعیت شرعی.

❖ گزینش صفات ارزش‌گذارانه منفی (مفرط، فاحش، گروگان) برای تقویت فاصله‌ی اخلاقی میان مدل اسلامی و نظام بازار آزاد.

❖ به‌کارگیری استعارات قوی (گروگان، تنزل یافتن، تراحم) برای تصویرسازی زنده از تبعات اجتماعی سرمایه‌داری.

❖ ترکیب ساختارهای خبری و تحلیلی (فعل‌های خبری در کنار گواهی شرعی) برای القای قطعیت و الزام به تغییر ساختاری.

این الگوهای واژگانی در سطح متن، علاوه بر ایجاد واکنش هیجانی مخاطب، چارچوب ایدئولوژیک گفتمان ضدسرمایه‌داری را تثبیت و برای سطوح بالاتر تحلیل (کنش گفتمانی و اجتماعی-ساختاری) زمینه‌ساز می‌شوند.

در نظریه تحلیل گفتمان، دال مرکزی مفهومی است که انسجام و وحدت معنایی گفتمان را تضمین می‌کند. نورمن فرکلاف معتقد است که هر گفتمان حول تعدادی مفاهیم کلیدی سازمان‌دهی می‌شود که سایر عناصر در نسبت با آن‌ها معنا می‌گیرند. دال مرکزی در گفتمان رهبر انقلاب اسلامی، بازتاب‌دهنده اصول ایدئولوژیکی و اهداف کلان اقتصادی و اجتماعی است که در تقابل با نظام سرمایه‌داری تعریف می‌شود. این دال‌ها، نقشی نشانه‌ای و نمادین دارند و اهداف کلان گفتمان، نظیر عدالت‌خواهی و استقلال‌طلبی را برجسته می‌کنند.

بارها تأکید کرده‌اند که نظام سرمایه‌داری صرفاً وسیله‌ای برای تمرکز ثروت نزد قدرت‌های جهانی است و نظم عادلانه‌ای برای جوامع ایجاد نمی‌کند.

در کنار عدالت اسلامی، مقاومت به‌عنوان یک دال مرکزی، نقش عملیاتی و اجرایی گفتمان

را مشخص می‌کند. مقاومت اقتصادی و فرهنگی در بیانات رهبر انقلاب، ابزار اصلی مقابله با سلطه جهانی سرمایه‌داری و تحقق عدالت اسلامی است. این مفهوم، پاسخی است به استعمار اقتصادی ناشی از سلطه هژمونیک غرب. رهبری با استفاده از مؤلفه‌هایی از جمله تولید داخلی، مصرف منطقی، و اقتصاد مقاومتی، مفهومی از مقاومت اقتصادی ایجاد کرده‌اند که با اصول خوداتکایی و استقلال ملی همخوانی دارد. (خادمیان، ۱۳۸۸: ۹۸)

اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک چارچوب نظری و عملیاتی در گفتمان رهبر انقلاب، مشخص می‌کند که چگونه می‌توان از ابزارهای اقتصادی برای مقابله با بحران‌هایی نظیر تحریم‌های بین‌المللی و وابستگی جهانی به نظام سرمایه‌داری استفاده کرد. این دیدگاه، مقاومت اقتصادی را با عدالت اسلامی پیوند می‌دهد: مقاومت به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از نفوذ فساد اقتصادی ناشی از سرمایه‌داری و تحقق عدالت اجتماعی عمل می‌کند (لاریجانی، ۱۳۹۵: ۳۴).

عدالت اسلامی و مقاومت، در یک تعامل دیالکتیکی، اساس گفتمان ضدسرمایه‌داری رهبری را شکل می‌دهند. از یک سو، عدالت اسلامی هدف اصلی مقاومت اقتصادی است، زیرا بدون ساختمان عادلانه اقتصادی، تحقق استقلال و خودکفایی اقتصادی ممکن نیست. از سوی دیگر، مقاومت ابزار حیاتی برای تحقق عدالت اسلامی در برابر موانع داخلی و خارجی است که مروج ایدئولوژی سرمایه‌داری هستند (مختاریان و کیانی، ۱۳۸۶: ۱۲۷)

رهبری بارها تأکید کرده‌اند که عدالت بدون مقاومت نمی‌تواند نهادینه شود و مقاومت بدون عدالت پایدار نخواهد بود. این پیوند عمیق در بیانیه‌های مربوط به اقتصاد مقاومتی و توصیه‌های رهبری در مواجهه با ساختار اقتصاد بین‌الملل بارز است. همچنین، استفاده راهبردی از مفاهیمی نظیر جهاد اقتصادی به‌عنوان بخشی از گفتمان مقاومت، مفاهیمی مثل عدالت اسلامی را تقویت می‌کند. در گفتمان ضدسرمایه‌داری رهبر انقلاب، دال مرکزی عدالت اسلامی بازتاب‌دهنده اصول نظری و بنیادین اقتصاد اسلامی است که به‌عنوان یک جایگزین برای سرمایه‌داری، توجیه‌گر نقد شدید به نابرابری‌ها و فساد سرمایه‌داری است. در مقابل، مقاومت نقش ابزار عملیاتی و استراتژیک را در تحقق این عدالت ایفا می‌کند. تحلیل این گفتمان از منظر نظریه گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم محوری مانند عدالت و مقاومت، به‌صورت نظام‌یافته و ساختارمند در سطح متن، کنش گفتمانی و کنش اجتماعی تولید و بازتولید می‌شوند و در نهایت، عاملی برای مقابله با هژمونی سرمایه‌داری جهانی و ارتقای عدالت اقتصادی و اجتماعی هستند.

### تحلیل بینامتنیت در گفتمان رهبری در نقد نظام سرمایه‌داری

مفهوم بینامتنیت، که در نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف جایگاهی محوری دارد، به چگونگی ارجاع یک متن به متون دیگر و تأثیر این ارجاعات در شکل‌گیری معنا و ایدئولوژی اشاره دارد. در گفتمان رهبر انقلاب اسلامی در نقد نظام سرمایه‌داری، بینامتنیت نقشی کلیدی در مشروعیت‌بخشی، تقویت مبانی نظری و ایجاد همبستگی هویتی ایفا می‌کند. یکی از برجسته‌ترین اشکال بینامتنیت در گفتمان رهبری، ارجاع مداوم به متون مقدس اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) است. این ارجاعات نه تنها به گفتمان نقد سرمایه‌داری مشروعیتی دینی می‌بخشند، بلکه مفاهیم مرتبط با اقتصاد و اجتماع را در چارچوب ارزشی اسلام بازتعریف می‌کنند. واژگانی کلیدی نظیر ربا، انفاق، عدل، ظلم و استثمار، که در نقد سرمایه‌داری به کار می‌روند، ریشه در آموزه‌های قرآنی دارند. به‌عنوان مثال، حرمت ربا در آیات متعدد قرآن مورد تأکید قرار گرفته و این موضوع در گفتمان رهبری به نقد ساختار بانکداری ربوی در نظام سرمایه‌داری پیوند داده می‌شود. ارجاع به مفاهیمی مانند انفاق و زکات نیز در تقابل با انباشت ثروت و نابرابری در سرمایه‌داری قرار می‌گیرد و به الگوی اقتصاد اسلامی به‌عنوان جایگزین اشاره دارد. استفاده از این بینامتنیت قرآنی-روایی، گفتمان رهبری را در بستر فرهنگی و اعتقادی جامعه اسلامی قرار می‌دهد و آن را برای مخاطبان مسلمان پذیرفتنی‌تر می‌سازد. (ذوعلم و سرو، ۱۳۹۹: ۷۶)

بعد دیگری از بینامتنیت در گفتمان رهبری، ارجاع به تجارب تاریخی است، به‌ویژه تاریخ استعمار و مبارزات ملت ایران در برابر سلطه قدرت‌های خارجی. نظام سرمایه‌داری در این گفتمان با سابقه تاریخی سلطه، استثمار و دخالت قدرت‌های غربی در امور داخلی ایران پیوند داده می‌شود. ارجاع به دوره‌های تاریخی که ایران تحت نفوذ اقتصادی و سیاسی قدرت‌های سرمایه‌دار غربی بوده است، به گفتمان ضدسرمایه‌داری بُعدی ملی و میهنی می‌بخشد. این بینامتنیت تاریخی، نظام سرمایه‌داری را نه تنها یک پدیده اقتصادی، بلکه نمادی از سلطه خارجی و تهدیدی برای استقلال و عزت ملی معرفی می‌کند. همانطور که در مقاله ارتقای بُعد اقتصادی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نظریه اقتصاد مقاومت مطرح شده، نظریه اقتصاد مقاومتی به‌عنوان پاسخی به چالش‌های اقتصادی ناشی از فشارهای خارجی و تحریم‌ها، با این بینامتنیت تاریخی ارتباط عمیقی دارد. اشاره به مقاومت‌های پیشین در برابر سلطه خارجی، چارچوبی برای درک مقاومت کنونی در برابر نظام سرمایه‌داری جهانی فراهم می‌آورد. (عزیزی و خضری، ۱۳۹۷)

علاوه بر ارجاعات دینی و تاریخی، گفتمان رهبری گاهی به نقدهای علمی و نظری بر نظام سرمایه‌داری، حتی از سوی اندیشمندان غربی، ارجاع می‌دهد. اگرچه ممکن است این ارجاعات به صورت صریح و با ذکر نام نباشند، اما آگاهی از مباحث جهانی و بهره‌گیری از آن‌ها برای تقویت نقد داخلی، نوعی بینامتنیت با متون علمی و نظری محسوب می‌شود. اشاره به بحران‌های مکرر اقتصادی در نظام سرمایه‌داری یا افزایش نابرابری و فاصله طبقاتی که موضوع پژوهش‌های گسترده‌ای مانند آثار توماس پیکتی (Piketty, 2014, 210) و جوزف استیگلیتز (Stiglitz, 2012, 85) است، نشان‌دهنده این بعد از بینامتنیت است. این ارجاعات، به گفتمان رهبری بعدی جهانی و علمی می‌بخشند و نشان می‌دهند که نقد نظام سرمایه‌داری صرفاً یک موضع ایدئولوژیک داخلی نیست، بلکه بر مبانی تحلیلی و یافته‌های علمی نیز استوار است. این سطح از بینامتنیت به گفتمان رهبری در محافل علمی و دانشگاهی نیز اعتبار بیشتری می‌بخشد و امکان بحث و تبادل نظر با رویکردهای انتقادی جهانی را فراهم می‌آورد.

تحلیل بینامتنیت در گفتمان رهبر انقلاب اسلامی در نقد نظام سرمایه‌داری، با استفاده از چارچوب فرکلاف، نشان می‌دهد که این گفتمان بر شبکه‌ای از ارجاعات دینی، تاریخی و حتی علمی بنا شده است. بینامتنیت قرآنی و روایی، مشروعیت دینی و چارچوب ارزشی گفتمان را فراهم می‌کند؛ بینامتنیت تاریخی، بعد ملی و مقاومت‌گرایانه آن را تقویت می‌کند؛ و بینامتنیت با متون علمی و نظری، اعتبار تحلیلی و ارتباط آن با مباحث جهانی را نشان می‌دهد. این ترکیب از بینامتنیت‌ها، به گفتمان رهبری عمق، انسجام و قدرت تأثیرگذاری بیشتری در سطوح مختلف می‌بخشد و آن را به ابزاری مؤثر برای نقد نظام سرمایه‌داری و ترویج الگوی اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی تبدیل می‌کند.

## بررسی نقش گفتمان ضدسرمایه‌داری در شکل‌گیری هویت جمعی و مقاومت هویتی در

### جامعه ایران

گفتمان، صرفاً بازنمایی منفعلانه واقعیت نیست، بلکه فعالانه به ساخت واقعیت و به‌ویژه شکل‌دهی به هویت‌های جمعی و مقاومت هویتی کمک می‌کند. در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، گفتمان‌ها با ایجاد تمایز میان ما و دیگری، به تقویت همبستگی درونی گروه ما و تثبیت جایگاه آن در برابر دیگری می‌پردازند (یاراحمدی، ۱۳۸۳، ۱۲۴). در گفتمان رهبر

انقلاب اسلامی در نقد نظام سرمایه‌داری، این فرآیند به وضوح قابل مشاهده است. در این گفتمان، نظام سرمایه‌داری با استفاده از واژگان و تعابیر منفی نظیر پلیدی، سلطه، و استضعاف بازنمایی می‌شود. این بازنمایی‌ها، تصویری از نظام سرمایه‌داری به‌عنوان یک دیگری منفی، سلطه‌گر و استثمارگر ارائه می‌دهند که در تقابل با ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه اسلامی و ایرانی قرار دارد. از سوی دیگر، با تأکید بر مفاهیم و ارزش‌هایی نظیر عدالت اسلامی، مقاومت، استقلال اقتصادی و تولید ملی، یک ما جمعی تعریف می‌شود که هویت خود را در مقاومت در برابر این دیگری تعریف می‌کند.

این تمایز گفتمانی، به تقویت همبستگی درونی جامعه و ایجاد حس مشترک تعلق به یک گروه واحد در برابر تهدید خارجی (نظام سرمایه‌داری) کمک می‌کند. رهبری با برجسته کردن آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی سرمایه‌داری، زمینه را برای ایجاد نوعی آگاهی انتقادی در جامعه فراهم می‌آورند که در نهایت به شکل‌گیری هویت جمعی مقاوم منجر می‌شود. به عنوان نمونه، استفاده از واژگانی مانند رباخواری و استثمار که ریشه در آموزه‌های دینی و فقهی دارند، هویت جمعی را در پیوند با مبانی اعتقادی شکل می‌دهد. گفتمان ضدسرمایه‌داری رهبر انقلاب، فراتر از یک نقد اقتصادی، به مثابه یک ابزار برای مقاومت هویتی در برابر هژمونی فرهنگی و ارزشی نظام سرمایه‌داری عمل می‌کند. نظام سرمایه‌داری علاوه بر تحمیل ساختارهای اقتصادی، ارزش‌ها و سبک زندگی خاصی را نیز ترویج می‌کند که اغلب در تعارض با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و ایرانی قرار دارند. در این میان، گفتمان رهبری با تأکید بر اصول اقتصاد اسلامی، تولید ملی، و مصرف منطقی، نمادهای هویتی جایگزینی ارائه می‌دهد که در برابر ارزش‌های ترویج شده توسط نظام سرمایه‌داری قرار می‌گیرند. این تأکید، به شکل‌گیری یک سبک زندگی مقاومتی کمک می‌کند که بخشی از هویت جمعی مقاوم در برابر هژمونی سرمایه‌داری است. این سبک زندگی شامل توجه به کالای داخلی، پرهیز از اسراف و تبذیر، و اولویت دادن به نیازهای واقعی جامعه بر سود فردی است (ذوالفقاری و احمدی، ۱۳۹۲).

عدالت اسلامی و مقاومت به عنوان دال‌های مرکزی گفتمان ضدسرمایه‌داری رهبری، نقشی حیاتی در شکل‌گیری هویت جمعی حول ارزش‌های انقلابی و اسلامی ایفا می‌کنند. عدالت اسلامی، به‌عنوان یک آرمان بنیادین، هویت جمعی را با ارزش‌های اخلاقی، توزیعی و اجتماعی اسلام پیوند می‌دهد و تمایزی عمیق با هویت مبتنی بر سودمحوری سرمایه‌داری ایجاد می‌کند. از

سوی دیگر، مقاومت هویت جمعی را با پایداری، خوداتکایی و استقلال در برابر فشارهای خارجی مرتبط می‌سازد و حس توانمندی و عزت نفس ملی را تقویت می‌کند. این دو دال مرکزی، به‌عنوان نقاط ارجاع اصلی، تمامی مفاهیم و ایده‌های گفتمان را حول خود سازمان‌دهی کرده و به آن‌ها بُعدی هویتی می‌بخشند. به عنوان مثال، مبارزه با ربا، نه تنها یک حکم فقهی، بلکه نمادی از هویت مقاوم در برابر سلطه مالی سرمایه‌داری است. همچنین، حمایت از تولید ملی، نه تنها یک راهکار اقتصادی، بلکه نمادی از هویت خودکفا و مستقل در برابر وابستگی به بازار جهانی است (خادمیان، ۱۳۸۸، ۷۹).

### سازوکارهای تولید، توزیع و بازتولید گفتمان ضد سرمایه‌داری رهبر انقلاب در سطح کش گفتمانی

در چارچوب «کنش گفتمانی» فرکلاف، گفتمان انتقادی رهبر انقلاب علیه نظام سرمایه‌داری نه صرفاً در «متن» بلکه در فرایند «تولید»، «توزیع» و «بازتولید» خود معنا می‌یابد. این گفتمان بر پایه ارجاع صریح به مبانی علم اقتصادی اسلامی و نقد ساختاری سرمایه‌داری شکل می‌گیرد و از طریق شبکه‌ای از نهادها، رسانه‌ها و متون تخصصی، پیوستگی ایدئولوژیک و نهادی می‌یابد.

نخست، «تولید» اولیه این گفتمان در مناسبت‌های رسمی صورت می‌گیرد. سخنرانی‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جمع نخبگان دانشگاهی، مسئولان اقتصادی و مراسم ملی، متن نخستین را شکل می‌دهد (دفتر حفظ و نشر آثار، ۱۳۹۷). ایشان در این سخنرانی‌ها با استناد به مباحث «رباخواری» و «استثمار» ضمن نقل مستقیم تعابیر فقهی و اخلاقی، نقد ساختارمندی را مطرح می‌کنند که در آن واحد هم مشروعیت شرعی و هم مشروعیت علمی گفتمان تأمین می‌شود. مثلاً در بیاناتی که به‌طور رسمی بر روی پایگاه [khamenei.ir](http://khamenei.ir) منتشر شده، واژگانی چون «رباخواری» و «مصرف‌گرایی مفرط» بارها تکرار شده تا عموم جامعه و نخبگان مخاطب، نقص‌های بنیادین سرمایه‌داری را درک کنند (دفتر حفظ و نشر آثار، ۱۳۹۷).

دوم، «توزیع» متن‌های تولیدشده از طریق رسانه‌های رسمی و نهادهای خبررسان صورت می‌پذیرد. سخنرانی‌ها و بیانات رهبر انقلاب از طریق صداوسیما، خبرگزاری‌های «ایرنا»، «مهر»، «فارس» و ویژه‌نامه‌های «پاسدار اسلام» منتشر می‌شود. همچنین «نامه فروغ علم» از سال ۱۳۲۹ با

چاپ مقاله سید غلامرضا سعیدی درباره «اقتصاد کاپیتالیسم» فضای آکادمیک را برای نقد ساختاری سرمایه‌داری آماده ساخت و از آن زمان تاکنون یکی از منابع معتبر فقهی-اقتصادی محسوب می‌شود (سعیدی، ۱۳۲۹). انتشار همزمان این متون در نشریات تخصصی و خبرگزاری‌های رسمی، امکان دسترسی سریع و گسترده مخاطبان را فراهم می‌آورد و گزاره‌های مرکزیِ گفتمان را در حافظه جمعی تثبیت می‌کند.

سوم، «بازتولید» گفتمان در سطوح مختلف اجتماعی و نهادی رخ می‌دهد. در مراکز دانشگاهی، اساتید اقتصاد اسلامی با استناد هم‌زمان به بیانات رهبری، واحدهای درسی و کارگاه‌های پژوهشی برگزار می‌کنند که ضمن تعمیق مفاهیم، نسلی از پژوهشگران را تربیت می‌کند که خود منشاء متون جدید می‌شوند. در سال‌های اخیر، سند «اقتصاد مقاومتی» که در دفتر مطالعات راهبردی نهاد ریاست‌جمهوری تدوین شده، مستقیم از همین گفتمان برگرفته شده و به‌عنوان دستورالعمل رسمی به وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌ها ابلاغ گردیده است (دفتر مطالعات راهبردی، ۱۳۹۵). این سند با استناد صریح به خطرات «نابرابری فاحش» و «تزامم منافع بانکی» راهبردهای اجراییِ مقابله با سرمایه‌داری را تدوین می‌کند و بدین ترتیب گفتمان انتقادی را از حوزه زبان‌شناختی به قلمرو سیاست‌گذاری ملی منتقل می‌سازد.

علاوه بر این، بازتولید غیررسمی نیز از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال جریان می‌یابد. انتشار گزاره‌های کلیدی مثل «رباخواری، توده‌ها را بدهکار می‌کند» در کانال‌های تلگرام و اینستاگرام رسمی ایشان و بازنشر آن توسط کاربران با هشتک‌های مرتبط (#اقتصاد\_اسلامی، #ضدسرمایه‌داری) موجب می‌شود که بحث در فضای عمومی نیز به گردش درآید و بارقه‌هایی از نقد سرمایه‌داری در اذهان عمومی تلقیح شود. این سطح از بازتولید، هم‌افزایی میان نهادهای رسمی و جامعه civile را تقویت می‌کند و نشان می‌دهد که گفتمان انتقادی نه صرفاً محصول یک نهاد متمرکز، بلکه یک جریان پویاست که میان مراکز قدرت، دانشگاه و عموم مردم تبادل می‌شود.

در مجموع، سازوکار کنش گفتمانی گفتمان رهبر انقلاب علیه نظام سرمایه‌داری بر سه رکن پیوسته استوار است: تولید متن در سخنرانی‌های رسمی با استنادات دقیق به متون فقهی-اقتصادی، توزیع گسترده آن از طریق رسانه‌های ملی و نشریات تخصصی، و بازتولید آن در متون دانشگاهی، سیاست‌های رسمی و شبکه‌های اجتماعی. این فرایند پیوسته، نقد ساختاری

سرمایه‌داری را از سطح زبان به عرصه عمل و سیاست می‌کشد و آن را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از پروژه تمدنی جمهوری اسلامی نهادینه می‌کند.

## نهادینه‌سازی گفتمان ضدسرمایه‌داری رهبری انقلاب در ساختارهای نهادی اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی در سطح کنش اجتماعی-ساختاری

گفتمان ضدسرمایه‌داری در بیانات رهبر انقلاب اسلامی، از سطح صرفاً متنی عبور کرده و در قالب ساختارهای نهادی «اقتصاد اسلامی» و «اقتصاد مقاومتی» نهادینه شده است. این نهادینه‌سازی را می‌توان در سه لایه اصلی کنش اجتماعی-ساختاری شناسایی کرد: سیاست‌گذاری کلان، چارچوب‌های قانونی-نظارتی و سازوکارهای اجرایی و پژوهشی.

در حوزه سیاست‌گذاری کلان، «سند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» ابلاغی در مرداد ۱۳۹۲ توسط دفتر مقام معظم رهبری، نقطه عطفی در انتقال گفتمان ضدسرمایه‌داری به عرصه ساختارهای رسمی است. در مقدمه این سند تصریح شده است که «جایگزینی الگوی تولید-مصرف اسلامی و مقابله با رباخواری و انحصارگرایی مالی از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی است» (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲، ص. ۲). این سیاست‌ها با ارجاع صریح به واژگان کلیدی انتقادی مانند «تراحم منافع بانک و جامعه» و «ناابرابری فاحش» چارچوب‌های راهبردی را برای تمامی دستگاه‌های اجرایی کشور تعیین کرد. به عنوان نمونه، در بند ۴ سیاست‌های کلی آمده است: «اولویت‌دهی به مناطق کمتر برخوردار و تقویت ابزارهای مالی خرد و مردمی، مبتنی بر مشارکت و تعاون اسلامی» (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲، ۱۵).

در سطح قوانین و نهادهای نظارتی-فقهی، قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲) و تشکیل «شورای فقهی بانک مرکزی» (ماده ۴ قانون) مستقیم گفتمان ضدربا و ضداستثمار را در ساختار مالی کشور تثبیت نمود. این شورا مأمور تطبیق همه بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های بانکی با آموزه‌های اقتصاد اسلامی می‌باشد و عملاً هیچ قرارداد بانکداری بدون حکم شرعی مبتنی بر «بیع سلف»، «مربحه» و «مشارکت مدنی» را تصویب نمی‌کند (قانون عملیات بانکی بدون ربا، ۱۳۶۲). این سازوکار حقوقی-نظارتی، کنش اجتماعی-ساختاری را از متن به قالب مقررات رسمی منتقل ساخته و سرمایه‌داری ربوی را به‌صورت نهادمند نقد می‌کند.

سطح سوم، سازوکارهای اجرایی و پژوهشی است که به بازتولید و تعمیق گفتمان در جامعه

می‌پردازد. در دولت‌های پس از ابلاغ اقتصاد مقاومتی، «شورای عالی هماهنگی اقتصادی قوا» (دی ۱۳۹۳) بر مبنای حکم رهبری تشکیل شد و در مصوبه دوم خود، «تقویت بخش واقعی اقتصاد» و «گسترش نهادهای تعاون و شرکت‌های دانش‌بنیان اسلامی» را به‌عنوان اولویت‌های اجرایی تعیین کرد (مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی قوا، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، ایجاد و توسعه «صندوق‌های قرض‌الحسنه خرد» در مناطق روستایی و «انجمن‌های مالی و اعتباری کوپنی» نمونه‌ای از تحقق میدانی این گفتمان است؛ به‌گونه‌ای که گزارش دفتر مطالعات راهبردی نهاد ریاست‌جمهوری نشان می‌دهد این سازوکارها تا ۶۰ درصد تأمین مالی خرد را در این مناطق پوشش داده و مانع اتکا صرف به سیستم بانکی ربوی شده‌اند (عزیزی و خضری، ۱۳۹۷، ۴۸).

نهادی دیگر که بازتولید گفتمان را به حوزه دانش‌محور انتقال داده، «مرکز پژوهش‌های سیاست‌گذاری اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی» در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌هاست. مقالات منتشرشده در این مرکز، با کدگذاری رویکردهای اخلاقی و حقوقی، مبنای کارگاه‌های آموزشی و پایان‌نامه‌های دانشجویی قرار گرفته‌اند. این هم‌آفرینی میان نهاد دانشگاه و ساختارهای سیاست‌گذاری، گفتمان ضدسرمایه‌داری را در دانش ملی بازتولید کرده و به شبکه‌ای از پژوهشگران و نخبگان اقتصادی منتهی می‌شود.

در پرتو نظریه کنش اجتماعی-ساختاری فرکلاف، ارتباط میان متن‌های بیانی رهبر انقلاب و ساختارهای نهادی اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی نمایان می‌شود: از یک سو سیاست‌های کلی و قوانین بانکداری بدون ربا، بازنمود گفتمان انتقادی ایشان هستند و از سوی دیگر، سازوکارهای اجرایی و پژوهشی به‌مثابه کانال‌های بازتولید و نهادینه‌سازی این گفتمان عمل می‌کنند. بدین ترتیب، پروژه تمدنی جمهوری اسلامی بر پایه اقتصاد بدون ربا و مقاوم در برابر هژمونی سرمایه‌داری جهانی، در سطح ساختار اجتماعی-اقتصادی کشور جاری و ساری گشته است.

### پیامدهای نهادینه‌سازی گفتمان ضدسرمایه‌داری در ساختارهای مالی کشور و پیشنهادات سیاستی

تداوم گفتمان نقادانه علیه سازوکارهای ربوی و انحصارگرایی مالی در بیانات رهبر انقلاب، با تبدیل مفاهیم کلیدی به چارچوب‌های نهادی و قانونی، ساختارهای مالی کشور را در مسیر بازتعریف نقش دولت و نهادهای نظارتی قرار داده است. نخست، هنجارسازی فعالیت‌های بانکی مبتنی بر «بیع سلف»، «مرابحه» و «مشارکت مدنی» از طریق قانون عملیات بانکی بدون ربا

(مصوب ۱۳۶۲) و ایجاد شورای فقهی بانک مرکزی، زمینه‌ساز کاهش محسوس سهم عقود ربوی در کل ترازنامه بانک‌ها شد. برآوردهای بانک مرکزی حاکی است نسبت سپرده‌های قرض‌الحسنه و عقود مشارکتی از کمتر از ۵ درصد در سال ۱۳۷۰ به بیش از ۲۳ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۸). افزون بر آن، گزارش دفتر مطالعات راهبردی نهاد ریاست جمهوری نشان می‌دهد گسترش صندوق‌های قرض‌الحسنه خرد و انجمن‌های مالی تعاونی در مناطق روستایی تا ۶۰ درصد نیازهای اعتباری خرد را پوشش داده و از تمرکز منابع در دست بنگاه‌های بزرگ کاسته است (عزیزی و خضری، ۱۳۹۷، ۴۵). این تغییرات نهادی، ضمن کاهش درجه بلا تکلیفی مالی در سطوح خرد، با تقویت «عدالت توزیعی» و کاهش فاصله طبقاتی، بهبود نسبی ثبات اقتصاد ملی را نیز تسهیل کرده است. با این حال، بررسی عملکرد بازار پول و سرمایه نشان می‌دهد خلأ ابزارهای نظارتی و شفافیت پایین در معاملات اسلامی، هم‌چنان مانع از حصول اهداف گفتمانی ریشه‌ای است. پیشنهاد می‌شود برای مقابله مؤثر با رباخواری و انحصار مالی، «بازارهای سهام اسلامی» با استانداردهای حسابداری و شفافیت مبتنی بر دستورالعمل‌های کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۳) توسعه یابد. این بازارها باید از طریق انتشار مستمر گزارش‌های «سازگاری شرعی» و تضمین انطباق قراردادها با فتاوی‌های شورای فقهی، قدرت نظارت همگانی و مردمی را افزایش دهند (IFSB, 2010). همچنین ایجاد «سامانه ملی شفاف‌سازی معاملات مالی اسلامی» با قابلیت رصد زنجیره تأمین مالی اسلامی می‌تواند از شکل‌گیری مجدد ساختارهای ربوی جلوگیری کند و اعتماد عمومی را تقویت نماید.

در بُعد آموزشی، ضروری است دوره‌های تخصصی «اقتصاد بدون ربا» با تأکید بر مفاهیم استخراج‌شده از بیانات رهبری و مبانی فقهی اقتصاد اسلامی در سطوح کارشناسی و تحصیلات تکمیلی طراحی شود. تدوین کتاب‌های درسی متناسب با رویکرد انتقادی فرکلاف، که سه سطح «متن»، «کنش گفتمانی» و «کنش اجتماعی-ساختاری» را به صورت یکپارچه تحلیل می‌کند، می‌تواند مهارت تحلیل انتقادی دانشجویان را ارتقا دهد. افزون بر این، برگزاری کارگاه‌های مشترک میان دانشگاه، بانک مرکزی و مرکز پژوهش‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی، به منظور بومی‌سازی راهکارهای نظارتی نوین و تولید شاخص‌های «مبارزه با انحصار مالی»، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نهایت، توسعه ظرفیت پژوهش‌های دانش‌بنیان و حمایت

از پایان‌نامه‌ها و پروژه‌های میدانی در حوزه «کارکرد ابزارهای مالی اسلامی در کاهش شکاف طبقاتی» توصیه می‌شود. چنین رویکردی، با پیوند میان گفتمان ضدسرمایه‌داری رهبری و ساختارهای قانونی-نظارتی و آموزشی، خواهد توانست بنیان‌های اقتصاد مقاومتی را در برابر هژمونی سرمایه‌داری جهانی استحکام بخشد و نقش اقتصاد اسلامی را در مأمّن‌سازی امنیت ملی و عدالت اجتماعی آشکارتر سازد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل انتقادی گفتمان رهبر انقلاب اسلامی درباره نظام سرمایه‌داری بر اساس مدل سه‌سطحی فرکلاف، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این گفتمان از سطح متنی با واژگان کلیدی نظیر ربا، استثمار، مصرف‌گرایی مفرط و نابرابری فاحش تا سطح کنش‌گفتمانی و ساختاری به‌طور مستمر بازتولید و نهادینه شده است. این فرآیند نهادینه‌سازی نه‌تنها در قالب سیاست‌های کلی، قوانین شرعی-نظارتی و گزارش‌های رسمی پژوهشی تجلی یافته، بلکه از طریق توسعه ابزارهای مالی اسلامی، صندوق‌های قرض‌الحسنه، تعاونی‌های مالی روستایی، ایجاد بازار سهام اسلامی و تأسیس شورای فقهی بانک مرکزی به عینیت رسیده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گسترش این گفتمان به حوزه آموزش دانشگاهی و پژوهش‌های علمی، همراه با طراحی نظریه‌پردازی بومی در سرمایه‌گذاری خارجی صادرات‌گرا، نشان‌دهنده همگرایی ایدئولوژیک و علمی قابل توجهی برای مواجهه با هژمونی نظام سرمایه‌داری جهانی محسوب می‌شود. اثربخشی این گفتمان در سطوح مختلف با تأکید بر سازوکارهای فقهی و حقوقی و پشتیبانی از پژوهش‌های میدانی-تحلیلی تقویت شده و موجب کاهش چشمگیر سهم عقود ربوی در ترازنامه بانک‌ها گردیده است.

تجربه جمهوری اسلامی ایران در پیوند گفتمان ضدسرمایه‌داری با نهادسازی اسلامی انقلابی، الگویی منحصربه‌فرد و قابل تعمیم پیش روی سایر نظام‌های مبتنی بر گفتمان انتقادی قرار داده است. این الگو با تأکید بر اقتضانات بومی، عدالت اجتماعی در بستر اقتصاد مقاومتی، بهره‌گیری از توانمندی علمی-فناورانه مؤسسات پژوهشی و پشتیبانی فقهی نهادهای تصمیم‌ساز، امکان تعمیق گفتمان و ارتقای امنیت اقتصادی ملی را فراهم ساخته است. گسترش سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از طریق مرزبانان اقتصادی و تسهیل تجارت نیز موجب تقویت ثبات و عدالت

توزیعی در سطوح ملی و محلی شده است. در نهایت، موفقیت این گفتمان در تحول بنیادین ساختارهای اقتصادی، کاهش وابستگی به مکانیزم‌های سرمایه‌داری متعارف و ایجاد جایگزین‌های عملیاتی مبتنی بر اصول اسلامی، گامی مؤثر و استراتژیک در جهت تحقق چشم‌انداز عدالت‌محور اقتصاد اسلامی و مقاومت همه‌جانبه در برابر منطق سرمایه‌داری جهانی تلقی می‌شود که با ارتقای شفافیت، تقویت نظارت همگانی و توسعه ظرفیت‌های آموزشی و پژوهشی قابلیت تعمیق و گسترش بیشتری خواهد یافت.

چشم‌انداز پژوهش‌های آتی باید به گسترش کاربرد مدل سه‌سطحی فرکلاف در تحلیل گفتمان‌های نخبگانی دیگر اختصاص یابد تا انعطاف‌پذیری نظریه و ظرفیت آن در تبیین تعامل گفتمان و قدرت در عرصه‌های فرهنگ و رسانه محک زده شود. به‌ویژه تحلیل انتقادی گزارش‌های رسانه‌ای صداوسیما و مطبوعات رسمی در موضوعات فرهنگی-اجتماعی، می‌تواند به روشن‌تر شدن سازوکارهای بازتولید هژمونی یا مقاومت فرهنگی منجر شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی ابعاد گفتمان ضدسرمایه‌داری با رویکرد شبکه‌کاوی متن و پیوستارهای میان‌رشته‌ای را لحاظ نمایند تا ساختار پنهان روابط گفتمانی در فضای مجازی و نشریات تخصصی به‌دقت تصویر شود.

## منابع

قرآن کریم.

آفاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

آیت الله خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۷). حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری. جلد‌های ۱-۸، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی و نرم افزار حدیث ولایت.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۲). قانون عملیات بانکی بدون ربا. تهران: انتشارات رسمی بانک مرکزی.

بای، عبدالرضا. (۱۳۹۲). جهانی شدن: قدرت، دانش و هژمونی. گلستان: نشر کیسان.

بهمنی، محمدرضا. (۱۳۹۳). تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای. نقد و نظر، ۱۹(۲)، ۱۹۸-۲۳۷.  
جعفری، زهرا. (۱۳۸۹). مجموعه روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی؛ روش تحلیل گفتمان. کتاب ماه علوم اجتماعی، ۳(۲۵)، ۶۴-۷۵.

خادمیان، طلیعه. (۱۳۸۸). سبک زندگی و مصرف فرهنگی، تهران: جهان کتاب.

دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری. (۱۳۹۷). گزیده بیانات مقام معظم رهبری درباره اقتصاد مقاومتی. قابل دسترس از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر.

ذوالفقاری، ابوالفضل و احمدی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). جایگاه فرهنگ اسلامی در نقد سرمایه‌داری. فرهنگ و ادب اسلامی.

ذوعلم، عبدالحسین و سرو، مهدی. (۱۳۹۹). اقتصاد اسلامی در مواجهه با نظام سرمایه‌داری. پژوهش‌های اسلامی.

سعیدی، غلامرضا. (۱۳۲۹). رژیم‌های اقتصادی و اسلام: اقتصاد سرمایه‌داری. نامه فروغ علم.

صدر، محمد. (۱۳۴۸). اقتصاد و اهداف اسلامی. تهران: انتشارات دفتر نشر معارف اسلامی.

فاضل، محمد. (۱۳۸۳). مصرف و سبک زندگی. تهران: صبح صادق.

فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

محمدرضا، عبدالمحمود. (۱۳۹۲). مدل تحلیل راهبردی در اندیشه مقام معظم رهبری. مطالعات راهبردی.

مختاریان، وفا و کیانی، غلامرضا. (۱۳۸۶). تفکر استراتژیک، تهران: فرا.

مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی. (۱۳۹۴). سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی. تهران: دبیرخانه.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). آزادی معنوی. تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵). عدل الهی. تهران: انتشارات صدرا.

- Bhatia, V. K. (2006). Applied Discourse Analysis. Springer Science.
- Fairclough, Norman. (1941). Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language. London: Longman.
- Hayek, Friedrich August von. (1944). The Road to Serfdom. London.
- Iqbal, Z., & Mirakhor, A. (2007). An Introduction to Islamic Finance: Theory and Practice. Singapore: Wiley.
- Piketty, Thomas. (2014). Capital in the Twenty-First Century. Cambridge: Harvard University Press.
- Rawls, John. (1971). A Theory of Justice. Cambridge University Press.
- Smith, Adam. (1776). The Wealth of Nations. Penguin Classics (2003 Edition).
- Stiglitz, J. E. (2012). The Price of Inequality: How Today's Divided Society Endangers Our Future. W.W. Norton & Company.
- Tawney, R. H. (1931). Equality. London: Unwin Books.